

چالش‌ها و ظرفیت‌های قرض‌الحسنه در کشور

فتح‌الله تاري^۱

مقدمه

اصطلاح قرض‌الحسنه در جامعه عمدتاً بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و عمدتاً در ارتباط با تسهیلات بانکی گسترش یافت. در حالی که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در سیستم بانکی وجود نداشت و به صورت صندوق‌های کوچک محلی، خانوادگی و گاهی صنفی مشاهده می‌شد. اما امروزه دامنه آن توسعه یافته و نه فقط برای عملیاتی که در بانک‌ها شکل می‌گیرد بلکه در بخش خصوصی نیز گسترش یافته است که خود دستاوردی برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد.

آیات و احادیث متعددی در مورد قرض‌الحسنه وجود دارد که می‌توان به این موارد اشاره نمود:

«کیست که به خدا قرض‌الحسنه‌ای دهد (و از اموالی که خداوند به او بخشیده انفاق کند) تا آن را برای او چندین برابر کند؟...» (سوره بقره، آیه ۲۴۵).

«کیست که به خدا قرض دهد، قرض نیکو را تا آن را برای او مضاعف سازد به اضعاف بسیار و خداست که تنگ می‌گیرد و یا می‌بخشد و بازگشت همه شما به سوی

۱. استاد تمام گروه اقتصاد بازرگانی دانشگاه علامه طباطبائی tari@atu.ac.ir

اوست» (سوره بقره، آیه ۲۶۴).

از حضرت صادق (ع) نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر کس به مؤمنی قرض بدهد و تا وقتی بدهکار توانست پول خود را به راحتی بپردازد، صبر کند، مال او در زکات و خودش نیز در دعا و طلب رحمت ملائکه است.

رسول خدا (ص) می‌فرمایند: شب معراج بر درب بهشت، این نوشته را دیدم: صدقه به ده برابر و قرض به هجده برابر پاداش داده می‌شود (مجلسی، ۱۳۶۲: ۳۶۸).

اسلام مخالف هر گونه گداپروزی است و با مرور و ادله زیادی مبنی بر رجحان قرض الحسنه بر صدقه وجود دارد. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- در قرض مال به کسی می‌رسد که به آن نیاز دارد چرا که انسان بی‌نیاز قرض نمی‌گیرد؛ اما در صدقه ممکن است به دست انسان بی‌نیاز برسد.
 - در قرض عزت نفس قرض گیرنده از بین نمی‌رود اما در صدقه رفته رفته عزت نفس خود را از دست می‌دهد.
 - در قرض فرد تلاش می‌کند تا قرض خود را پس دهد و تلاش اقتصادی موجب رونق اقتصادی می‌گردد.
 - در قرض، مال قرض داده شده باز پس داده می‌شود و می‌تواند بارها مشکلات اقتصادی افراد را برطرف کند و اثرات اقتصادی آن هم بارها رخ خواهد داد.
- همه این موارد اهمیت قرض الحسنه را نشان می‌دهد. در اینجا می‌خواهیم با توجه به تعابیر و تعاریف مختلف، ظرفیت‌های استفاده از آن را تبیین کرده و از سوی دیگر با توجه به عملکرد بانک‌ها و مؤسسات مالی، چالش‌هایی که در حال حاضر در استفاده از همین ابزار اسلامی در نظام بانکداری کشور وجود دارد را نشان دهیم.

تعریف عقد قرض: ماده ۶۴۸ قانون مدنی می‌گوید: قرض عقدی است که به موجب آن احد طرفین، مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید و در صورت تعذب رد مثل، قیمت یوم الرد را

بدهد.

در برخی مطالعات اشاره شده است جای دیگری که تعریفی از قرض وجود دارد قانون اساسی است. در بند ۲ اصل چهل و سوم قانون اساسی به اعطای وام بدون بهره به کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند (در شکل تعاونی) اشاره شده است. البته شاید منظور قانون تأمین آن از منابع قرض‌الحسنه بانک‌ها نباشد بلکه سود این تسهیلات از طرف دولت تأمین گردد.

تعریف قرض‌الحسنه: عبارت قرض‌الحسنه در قرآن وارد شده است و در مورد قرض دادن به خداوند است که قرآن آن را در مورد صدقه به کار برده است و منظور از آن قرضی است که چند برابر خود نزد خدا ثواب دارد. سوره بقره آیه ۲۴۵: «کیست که خدا را وام (قرض‌الحسنه) دهد تا خدا بر او به چندین برابر بیفزاید؟».

در قرآن، سیزده بار با واژه‌های گوناگون، سخن از قرض به میان آمده و به آن تأکید شده است. در هر جا که کلمه قرض آمده به دنبال آن کلمه «حَسَناً» نیز آمده است. این گونه تعبیر شده است که پاداش قرض دهنده بر عهده خداوند است و نه اینکه قرض به خدا داده می‌شود. این لغت از دو کلمه تشکیل شده است. یکی قرض است که در فارسی به معنای بریدن و قطع کردن است و در عرف به معنی مالی است که به دیگری داده می‌شود به شرط آنکه بازگرداند. گویی قرض دهنده آن را از بقیه اموالش بریده است.

قسمت دوم «الحسنه» است. واژه حسن صفت قرض قرار گرفته و به معنی زیبا و نیک است. مقصود از «القرض الحسن» آن است که از مال حلال بوده و منت، اذیت و ربا را به دنبال نداشته باشد.

مقصود از قرض‌الحسنه دادن به خدا، صدقه‌ای است که با نیت پاک و صرفاً به خاطر خدا داده شود و می‌توان گفت، همه اعمال نیک، اعم از بدنی و مالی، قرض‌الحسنه‌ای هستند که به خدا تحویل داده می‌شوند و او در مقابل پاداش خواهد داد. متشرعین نیز قرض صحیح غیر

ربوی بین انسان‌ها را با تأسی از قرآن کریم، قرض حسن و قرض الحسنه نامیده‌اند (حبیبیان نقیعی، ۱۳۸۴۲).

از دیدگاه شهید مطهری که در کتاب ربا، بانک، بیمه ذکر شده است، بیان می‌دارد که: در تعریف قرض بعضی می‌گویند قرض تملیک به عوض است و عده‌ای می‌گویند این تعریف کاملاً غلط است و قرض تملک به ضمان است؛ یعنی شخص که مال خود را به دیگری قرض می‌دهد، با قرض دادن آن را از مالکیت خود خارج کرده و دیگری را مالک ساخته است. از نظر ایشان انواع قرض بر چهار قسم است.

الف- قرض استتاجی: شخص قرض می‌کند نه برای اینکه در خود عین تصرف کند بلکه برای اینکه از آن نتیجه‌گیری کند.

ب- قرض استهلاکی: قرض برای مصرف کردن و رفع احتیاجات ضروری زندگی قرض می‌کند.

ج- قرض مصرفی، قرض تولیدی: گاهی قرض گیرنده برای مصرف زندگی خودش محتاج قرض است و گاهی قرض گیرنده به قرض احتیاجی ندارد و برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی قرض می‌گیرد.

د- قرض الحسنه: قرض بدون سود است. برخی مفسرین برای اینکه قرض عنوان حسنه پیدا کند شرایطی را برای آن بیان کرده‌اند که عبارت‌اند از:

- قرض باید از مال حلال باشد.
- بی‌منت و بی‌ریا و همراه با عشق و ایثار پرداخت شود.
- برای مصارف ضروری باشد.
- سریع پرداخت شود.
- قرض دهنده، خداوند را برای این توفیق شکر گذار باشد.

اما آنچه در نظام بانکداری کشور بیشتر از همه به چشم می‌خورد جمع‌آوری منابع مختلف به شکل قرض الحسنه است اما آنچه در بخش تسهیلات پرداخت شده همان قرض مصرفی است

و توجهی به سایر موارد مانند قرض تولیدی نشده است. به علاوه همین قرض مصرفی نیز به گونه‌ای پرداخت می‌شود که شباهتی به قرض‌الحسنه یعنی قرض بدون سود ندارد.

تعریف قرض‌الحسنه در نظام بانکی:

در نظام بانکی قرض‌الحسنه به این شکل تعریف شده است: قرض‌الحسنه عقدی است که به موجب آن بانک‌ها (به عنوان قرض دهنده) مبلغ معینی را طبق ضوابط مقرر به اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی (به عنوان قرض گیرنده)، به قرض واگذار نماید^۱.

چالش‌های قرارداد قرض‌الحسنه در نظام بانکی:

در نظام بانکی دو گونه قرض‌الحسنه تعریف شده است، یکی قرض‌الحسنه جاری و دیگری قرض‌الحسنه پس‌انداز. عملکرد بانک‌ها در هر دو زمینه با چالش‌هایی همراه بوده است. در اینجا چالش‌های هر یک از آن‌ها جداگانه ذکر می‌شود.

قرض‌الحسنه پس‌انداز

فرض بر این است که سپرده‌گذار در اینجا بخشی از درآمد خود را از جریان مصرفی خارج ساخته و به شکل پس‌انداز نزد بانک‌ها سپرده‌گذاری می‌کند. با فرض اینکه هدف سپرده‌گذار از عدم دریافت سود انجام کار خیر باشد، عملکرد بانک‌ها به گونه‌ای است که مانع از انجام این کار خیر می‌گردد.

۱. نوع قرارداد بین سپرده‌گذار و بانک

گاهی بانک‌ها در قرارداد هر یک به گونه‌ای متن را می‌نویسند.

اگر این گونه نوشته شود که سپرده‌گذار وجه را به بانک قرض می‌دهد در این صورت بانک الزامی نخواهد داشت که وجه دریافتی را به شکل قرض‌الحسنه وام دهد یعنی مختار است که وجه را در فعالیت‌های سودآور بانک به کار گیرد یا به دیگران به شکل قرض‌الحسنه وام دهد زیرا در قرض‌الحسنه، قرض دهنده نباید هیچ شرطی برای قرض گیرنده حتی در مورد نحوه خرج آن مقرر کند. اگر در فعالیت‌های سودآور به کار گیرد در واقع هدف سپرده‌گذار

1. http://www.tejaratbank.ir/general_content/1538205

که شرکت در امر پرداخت قرض‌الحسنه به نیازمندان برای رفع مشکلات و انجام کار خیر است محقق نمی‌شود.

اگر متن قرارداد به گونه‌ای نوشته شود که سپرده‌گذار به بانک وکالت می‌دهد که وجه سپرده‌گذاری شده را به شکل قرض‌الحسنه به نیازمندان پرداخت کند، در این حالت بانک دیگر نمی‌تواند وجه دریافتی را در فعالیت‌های سودآور به کار گیرد. ولی بانک‌ها در اینجا نیز اینکه چه کسی قرض‌الحسنه را دریافت کند و چه مبلغی پرداخت شود را خودشان تعیین می‌کنند. برخی گزارشات مبنی بر این بوده است که بانک‌ها قرض‌الحسنه با مبالغ کلان به کارکنان خویش پرداخت کرده‌اند درحالی‌که سایر افراد، برای قرض‌الحسنه ازدواج در صف نوبت قرار می‌گیرند و به علاوه مبلغی که به آن‌ها پرداخت شده است در حداقل مبلغ بوده و در حدود ۳۰ میلیون ریال به هر یک از زوجین بوده است.

۲. مطابق قانون، بانک‌ها مجازند که در ازای خدمات کارمزدی دریافت کنند. فقها در مورد نحوه اخذ کارمزد نظرات مختلفی دارند.

قول اول: جواز

آیات عظام، امام خمینی، فاضل لنکرانی و مکارم شیرازی با وجود سه شرط جایز می‌دانند: الف. حقیقتاً کارمزد باشد و بهانه برای دریافت ربا محسوب نگردد.

ب. به مقدار متعارف باشد نه بیشتر.

ج. با توافق و رضایت طرفین صورت گیرد.

همچنین آیت‌الله مکارم دریافت کارمزد را برای صندوق‌های قرض‌الحسنه‌ای که کارمند ندارند و خود صاحبان وجوه، تمامی کارهای مربوط به وام‌دهی را انجام می‌دهند، دارای اشکال می‌داند.

قائلین به جواز دریافت کارمزد، برای اثبات نظر خودشان دو دلیل آورده‌اند:

الف- اطلاقات ادله حرمت ربا شامل آن نمی‌گردد.

ب- در عملیات قرض دادن و کارمزد گرفتن، دو معامله مستقل صورت می‌گیرد و کارمزد

وام در عقد قرض شرط نشده است تا اینکه موجب ربوی بودن آن شود.

قول دوم: حرمت

گروهی از فقها همچون آیات عظام موسوی گلپایگانی، بهجت، میرزا جواد تبریزی، صافی گلپایگانی و سیستانی دریافت کارمزد مشروط در قرض را از مصادیق ربای حرام می‌دانند. این گروه نیز برای نظریه خود دلایل زیر را ارائه می‌دهند:

الف- چنانچه وجوهی که قرض داده می‌شود، ملک صندوق یا مشترک بین صندوق و اشخاص باشد، شرط پرداخت کارمزد، به نفع صندوق بوده و داخل در عنوان «جرّ منفعت» می‌باشد و چنین چیزی موجب ربوی شدن قرض می‌گردد.

ب- کارمندانی که در صندوق کار می‌کنند، اجیر سهام‌داران صندوق هستند. پرداخت حق‌الزحمه آن‌ها بر عهده صندوق می‌باشد. بنابراین، دیگر نمی‌توانند اجیر برای قرض گیرندگان شده و در ازای آن اجرت بگیرند. پس آنچه به عنوان کارمزد گرفته می‌شود، درواقع زیاده‌ای است که به ملک صاحبان سهام وارد می‌شود که آن را صرف در مخارج صندوق، از قبیل پرداخت حقوق کارمندان و مانند آن نموده، بقیه را برای خود برمی‌دارند. این شرط زیادی در قرض است که موجب ربوی بودن آن می‌شود.

۳. فرمول محاسبه کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه، هیچ تفاوتی با فرمول محاسبه سود ربوی در نظام بانکی متعارف دنیا ندارد. تنها تفاوت در این میان، تغییر نام نرخ بهره در بانکداری ربوی، به نرخ کارمزد در بانکداری بدون ربا است. این تغییر نام مشکلی را حل نمی‌کند؛ زیرا عرف مردم در بازار کار چنین محاسبه‌ای برای تعیین کارمزد خودشان انجام نمی‌دهند.

۴. قانون عملیات بانکی بدون ربا، تعیین میزان حداقل و حداکثر کارمزد قرض‌الحسنه را بر عهده بانک مرکزی گذاشت. در دستورالعمل موجود بانکداری جمهوری اسلامی ایران، حداقل ۲٫۵ درصد و حداکثر ۴ درصد است، مشروط بر این که از هزینه‌های تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه تجاوز نکند.

اولاً تعیین میزان حداقل کارمزد در قانون عملیات بانکی (۲,۵ درصد)، از توجیه منطقی برخوردار نیست؛ زیرا اگر بنا باشد که کارمزد حقیقی دریافت شود، ممکن است مبلغ کارمزد، رقم ناچیزی بوده و پایین‌تر از آن مبلغی باشد که به‌عنوان حداقل کارمزد در نظر گرفته شده است. ثانیاً بانک‌ها همان حداکثر یعنی ۴ درصد را دریافت می‌کنند نه حداقل را. ۵. اخیراً بانک ملی دریافت کارمزد را نه برحسب مبلغ قرض بلکه برحسب مانده قرض دریافتی در هر سال دریافت می‌کند که مثلاً اگر اصل قرض پرداختی ۵۰ میلیون ریال باشد، ۴ درصد آن در سال اول ۲۰۰۰ هزار ریال می‌شود. با فرض اینکه اقساط وام ۵ ساله و در هر سال ۱۰ میلیون ریال باشد، در آغاز سال دوم مانده وام ۴۰ میلیون ریال خواهد شد که ۴ درصد کارمزد آن را در همان آغاز سال دوم مجدداً دریافت می‌کند که برابر ۱۶۰ هزار ریال می‌گردد. این عمل تا صفر شدن مانده وام در هر سال تکرار می‌شود. به‌این ترتیب جمع کارمزدهای دریافتی در سال‌های مختلف به‌مراتب بیش از ۴ درصد خواهد بود که با حکم فقها منافات دارد.

علاوه بر این نمی‌توان برای انجام یک کار چند بار کارمزد دریافت کرد. یعنی کارمزد برای ارائه یک قرض الحسنه با همان ترتیبی که برخی فقها تجویز کردند فقط یک‌بار قابل دریافت است و اضافه دریافت می‌تواند مصداق اکل مال به باطل باشد.

قرض الحسنه جاری:

همان‌گونه که قبل ذکر شد، «قرض عقدی است که به‌موجب آن احد طرفین مقدار معینی از مال خود را به‌طرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید و در صورت تعذر در مثل، قیمت یوم الرد را بدهد.» اگر ویژگی دیگر یعنی تعیین مدت معینی برای بازپرداخت قرض به تعریف فوق اضافه کنیم، قاعداً باید به یک تعریف حقوقی از قرض الحسنه برسیم. اینکه چرا قرض الحسنه نمی‌تواند عندالمطالبه باشد، بدیهی به نظر می‌رسد؛

زیرا فرض بر این است که گیرنده قرض الحسنه پول استقراضی را برای رفع نیاز خود به کار

برده است و بنابراین بازپرداخت آن موکول به زمانی است که قرض گیرنده با توجه به امکانات خود با آن توافق کرده است. با توجه به موارد اتلاق صفت قرض‌الحسنه به سپرده‌های دیداری (جاری و پس‌انداز) در قانون بانکداری بدون ربا از مفهوم قرض‌الحسنه تبعیت نمی‌کند و محل اشکال واقع شده است زیرا:

اولاً:

فرض بر این است که قرض گیرنده، قرض‌الحسنه را برای رفع نیاز خود به کار گیرد؛ بنابراین قرض گیرنده کسی است که نیازمند وام است. حال با توجه به اینکه بانک‌ها اصولاً یکی از منابع عمده تأمین مالی اشخاص نیازمند به وام هستند، لذا نمی‌توانند در عین حال خود نیازمند تلقی شوند.

ثانیاً:

طبق تعریف قرض در قانون مدنی قرض دهنده مقدار معینی از مال خود (پول خود) را به قرض گیرنده تملیک می‌کند. از آنجا که خاصیت حساب‌های دیداری آن است که در هر لحظه کم و زیاد شود، بنابراین اطلاق مقدار معین به وجوه ناشی از سپرده‌های دیداری بی‌معنا است، مگر آنکه در هر بار تغییر در مانده این حساب‌ها، طرفین، عقد قرض را مجدداً منعقد کنند که می‌دانیم این کار در عمل در حکم محال است.

ثالثاً:

طبق ماده ۱۹۱ قانون مدنی «عقد محقق می‌شود به قصد انشا به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند.» به نظر نمی‌رسد حداقل در افتتاح حساب جاری در بانک‌ها دارنده حساب جاری، قصدی به اعطای قرض به بانک داشته باشد؛ بنابراین در مورد این حساب‌ها عقد قرض محقق نمی‌گردد.

رابعاً:

اگر بپذیریم که زمان یکی از اصول بنیادی قرض‌الحسنه است، بنابراین با توجه به اینکه صاحب حساب در هر زمان می‌تواند بدون اخطار قبلی سپرده خود را بعضاً یا کلاً دریافت کند، لذا از این جهت نیز اطلاق صفت قرض‌الحسنه به این حساب‌ها خالی از اشکال نیست.

خامساً:

اگر به هر حال بپذیریم سپرده‌های دیداری قرض تلقی می‌شوند، آنگاه بانک موظف است در هنگام بازپرداخت، مثل مال را (از حیث مقدار و جنس و صفت) رد نماید. سؤال اساسی اینجا است که یک اسکناس هزار تومانی که مثلاً یک سال قبل به بانک قرض داده شده باشد، آیا در شرایط تورم ۲۰ درصدی در هنگام بازپرداخت از حیث مقدار و صفت می‌تواند مثلی داشته باشد؟ بدیهی است با وجود تورم ۲۰ درصدی مقدار اسکناس ۱۰۰۰ تومانی بعد از گذشت یک سال حدود ۸۰۰ تومان است؛ بنابراین این اسکناس دیگر مثل اسکناس قرض داده شده نیست. در مقابل اگر قرض دهنده پولی را که دارای ارزش ذاتی است (مانند سکه، طلا یا نقره که در زمان‌های گذشته رایج بود)، به قرض گیرنده تملیک کند، در آن صورت در هنگام بازپرداخت سکه‌ای هم‌شکل، هم‌اندازه و هم‌عیار، سکه قرض داده شده به‌عنوان مثل پذیرفته می‌شود. با این حساب در شرایط تورمی کنونی امکان رد مثل برای قرض گیرنده وجود ندارد و طبق صراحت قانون مدنی قرض گیرنده باید قیمت یوم الرد را پردازد. قیمت یوم الرد مبلغی است که قدرت خرید پول قرض داده شده را دلالت کند.

۲- با توجه به مراتب فوق اگر نتوان حساب‌های دیداری را قرض الحسنه تلقی کرد، آنگاه باید دید از نظر قانون مدنی این حساب‌ها با کدام یک از عقود مندرج در قانون مدنی همخوانی بیشتری دارد. از آنجا که طبق ماده ۶۲۳ قانون مدنی، منافع حاصله از ودیعه مال مالک است، بنابراین اگر حساب‌های دیداری را سپرده دیداری فرض کنیم، صاحبان حساب جاری باید در منافع به‌کارگیری این وجوه توسط بانک شریک باشند؛ حال آنکه طبق برداشتی که تاکنون از ماده ۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا شده است، منابع حاصل از حساب‌های جاری و پس‌انداز، جزو منابع بانک محسوب شده است و همین مسئله باعث گردیده تا مجلس و دولت‌های ما منابع حساب‌های جاری و پس‌انداز در بانک‌های دولتی را منابع خود تلقی نموده و برای این منابع نقشه‌های گوناگون بکشند.

این برداشت دولت از حساب‌های دیداری فقط با تعریف عقد عاریه همخوانی دارد که به‌موجب آن «عاریه عقدی است که به‌موجب آن احد طرفین به‌طرف دیگر اجازه می‌دهد

که از عین مال او مجاناً منتفع شود.» و اما آنچه در چند سال اخیر به برکت وجود بانک‌های خصوصی در بانک‌های کشور در زمینه به‌کارگیری حساب‌های جاری و پس‌انداز اتفاق افتاده است، با مفهوم استنباطی بانکداری متعارف از این حساب‌ها همخوانی داشته است یعنی بانک‌ها منابع ارزان‌قیمت (بدون بهره) حساب‌های جاری و پس‌انداز را برای تعدیل قیمت تمام‌شده پول مورد استفاده قرار داده‌اند. برای مثال اگر در یک بانک خصوصی قیمت تمام‌شده منابع سپرده‌های بلندمدت ۲۵ درصد بوده باشد و سهم منابع ارزان‌قیمت در این بانک‌ها ۱۰ درصد فرض گردد، در آن صورت با ترکیب وزنی منابع ارزان‌قیمت با منابع گران‌قیمت، بهای تمام‌شده خود را به نفع گیرندگان تسهیلات به ۲۳ درصد رسانده‌اند.

این موضوع البته در مورد بانک‌های دولتی تأثیر بیشتری داشته است؛ زیرا منابع ارزان‌قیمت بانک‌های دولتی به دلیل گستره شعب آن‌ها و همچنین سپرده‌های دولت نزد آن‌ها نزدیک به ۵۰ درصد بوده است؛ بنابراین در شرایط عادی (بدون تحمیل ریسک از بیرون) بهای تمام‌شده پول در بانک‌های دولتی در حدود ۱۰ درصد می‌باشد؛ به همین دلیل امکان پرداخت تسهیلات با نرخ‌های حدود ۱۴ درصد برای بانک‌های دولتی وجود داشته است. حال با این استدلال‌ها، اگر باز هم دولت بر جداسازی منابع حساب‌های جاری و پس‌انداز (به غلط مصطلح قرض‌الحسنه) از سپرده‌های مدت‌دار اصرار داشته باشد، اتفاقی که خواهد افتاد آن است که نرخ تسهیلات برای گیرندگان آن از منابع سپرده‌گذاری بلندمدت (چه در بانک‌های دولتی و چه در بانک‌های خصوصی) بالاتر از ۲۵ درصد و برای فعالان اقتصادی خوش‌اقبالانی که بتوانند از محل منابع سپرده‌های دیداری تسهیلات دریافت کنند، حتی کمتر از ۱۰ درصد خواهد بود.

یعنی دولت با این اصرار خود به بعضی از فعالان اقتصادی اجحاف کرده و به برخی دیگر امتیاز ویژه (رانت) اعطا می‌نماید. حال آنکه اگر منابع حساب‌های دیداری به‌عنوان منابع تعدیل‌کننده بهای تمام‌شده پول در بانک‌های دولتی و خصوصی پذیرفته شود، نرخ بهره تسهیلات در بانک‌های خصوصی حدود ۲۴ درصد و در بانک‌های دولتی حدود ۱۴ درصد

خواهد بود و اگر اجازه رشد به بانک‌های خصوصی داده شود، طی چند سال به دلیل گسترش شعب و در نتیجه افزایش سهم منابع ارزان‌قیمت در کل منابع آن‌ها به تدریج نرخ بهره تسهیلات در این بانک‌ها به بانک‌های دولتی نزدیک‌تر خواهد شد.

ظرفیت‌های کاربرد قرض‌الحسنه:

- قرض‌الحسنه می‌تواند در بسیاری از بخش‌های اقتصادی به شکل اجرایی درآید.
- قرض‌الحسنه نوعی وام محسوب می‌شود که از حیث شرعی هیچ شرطی برای آن نباید باشد
- آنچه عمدتاً در کشور ما به عنوان تسهیلات بانکی قرض‌الحسنه پرداخت می‌شود تسهیلات مصرفی است.

یکی از شیوه‌هایی که در دنیا برای تأمین مالی وجود دارد، تأمین مالی خرد است. بنگاه‌های تأمین مالی خرد فرض می‌کنند که مشتریان قادر به اداره مناسب فعالیت‌های کاری خود هستند، اما فرض نمی‌کنند که همه فقرای متقاضی اعتبارات خرد مورد اعتمادند. این بنگاه‌ها سه شیوه را در اعتبارات خرد پذیرفته‌اند:

۱. وام‌دهی گروهی: گرامین بانک را می‌توان پیش‌قدم این نوع وام‌دهی که اکنون در بسیاری از کشورها به کار می‌رود دانست. در این شیوه متقاضیان وام به شکل یک گروه درمی‌آیند، به نحوی که مسئول پرداخت وام دیگران می‌باشند. در حقیقت گرامین بانک برای تضمین بازپرداخت وام به جای اتکا به وثیقه به فشار اعضا متکی می‌باشد. به علاوه گرامین بانک با توجه بیشتر به وام‌گیرندگان مؤنث که به علت قیود جامعه قابل اعتمادتر هستند ریسک عدم پرداخت وام را محدودتر می‌کند (همان).

بایستی دانست که این شیوه وام‌دهی همیشه کارا نیست. بخصوص در بلندمدت که انسجام گروه تضعیف شده و امکان خروج افراد از آن بیشتر می‌شود (حوزه نظام‌های پولی و مالی صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۵۱۱):

یکی دیگر از برنامه‌های گرامین بانک مورد توجه قرار دادن گدایان و پرداخت وام‌های خرد

به آن‌ها می‌باشد. وام‌ها بدون بهره بودند و دوره بازپرداخت وام می‌توانست بسیار طولانی باشد. به عنوان مثال یک فقیر وام کوچکی به مبلغ ۱۰ داکا (۱/۵ دلار) دریافت کرد که می‌بایست ۲ داکا در هفته پس می‌داد، ضمن آنکه تحت پوشش بیمه عمر رایگان قرار گرفته بود. هدف گرامین بانک از این برنامه تشویق فقرا به دست‌فروشی با استفاده از مبالغ وام بود. ۷۳ هزار فقیر تحت پوشش این برنامه قرار گرفتند که به آن‌ها نزدیک به ۵۸ میلیون داکا وام تعلق گرفت (باروا، ۲۰۰۶: ۱۲).

به هر حال بعضی از منتقدین نگاه مساعدی به فعالیت‌های گرامین بانک ندارند، به عنوان مثال شارما^۲ (۲۰۰۲) تحلیلگر مسائل توسعه اعتقاد دارد که این بانک فقرا را در تله دائمی بدهی اسیر می‌کند و نفع برنده اصلی این جریان مؤسساتی هستند که کالاهای مورد نیاز فقرا را می‌فروشند.

۲. وام‌دهی انفرادی: مبلغ این وام‌ها بیشتر بوده و قابلیت انعطاف بیشتری را دارند. امکان اخذ وثیقه اندکی از متقاضیان وجود دارد. در این حالت متقاضیان وام افراد بسیار فقیری که تازه می‌خواهند فعالیتی را آغاز کنند نیستند، بلکه افراد کم درآمدی هستند که در فعالیت کاری خود ماهر می‌باشند. چنانچه فرد وام خود را بازپرداخت نکند، امکان کسب وام بیشتر را در آینده از دست خواهد داد. نظر مساعد سایر مشتریان بانک و همسایگان متقاضی وام در تعلق وام به او اثرگذار می‌باشد. مبالغ وام‌ها می‌تواند بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ دلار باشد. البته منتقدین اعتقاد دارند که فقرای وام گیرنده وام‌های جدید را صرف بازپرداخت وام‌های قدیمی خود می‌کنند. تعدادی نهاد تأمین مالی خرد دولتی موفق مثل بانک رکیات^۳ اندونزی نیز وجود دارند. با این حال برنامه‌های گسترده تأمین مالی خرد دولتی به دلایل سیاسی و میزان بالای عدم بازپرداخت بدهی‌ها چندان موفق نبوده‌اند. آمارهای مربوطه نشان می‌دهند که درصد کمی از متقاضیان تأمین مالی خرد (نزدیک به ۱۳ درصد) از برنامه‌های دولتی به طور مناسبی

1. Barua, D. C

2. S.Sharma

3.Rakyat

خدمات مربوطه را دریافت داشته‌اند. مشکلات ساختاری در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای آن توسط مقامات دولتی دورنمای درخشانی را برای مؤسسات تأمین مالی خرد دولتی در همه موارد فراهم نمی‌سازد.

۳. وام‌دهی برای ایجاد فعالیت تولیدی خرد و یا جلوگیری از ورشکستگی و خروج این بنگاه‌ها

یکی از آن‌ها به نام بانک جاک معروف است که موسسه‌ای تعاونی در سوئد است و توسط اعضای آن تأمین مالی می‌شود و از سال ۱۹۳۱ شکل گرفته است. نام آن مخفف سه کلمه سوئدی مترادف زمین سرمایه کار^۱ است که عوامل تولید در اقتصاد کلاسیک به حساب می‌آیند.

تاریخچه آن را به دوران رکود بزرگ در ۱۹۳۱ ربط می‌دهند. در آن زمان یک پول محلی در جامعه ایجاد شد که دولت آن را غیرقانونی نامید. این پول مبتنی بود بر پس‌انداز و وام بدون بهره و در مبادلات تجاری محلی مورد استفاده قرار می‌گرفت. دولت این نظام را تعطیل کرد اما در سال ۱۹۴۴ دوباره شکل گرفت. این بار گروهی در سوئد از این روش الهام گرفتند و «جاک بنکینگ» یا بانکداری جاک نام نهادند. این بانک در سال ۱۹۹۷ مجوز فعالیت رسمی را مقام نظارت مالی در سوئد دریافت نمود و به این ترتیب سپرده‌های این بانک مورد تضمین دولت قرار گرفت.

تعداد اعضای آن تا دسامبر ۲۰۱۵ حدود ۳۹۰۰۰ نفر رسیده است. هر عضو فقط یک حق رأی دارد و هیئت‌مدیره آن در هر سال توسط اعضا انتخاب می‌شود. همانند بانکداری اسلامی بهره‌ای به وام‌ها تعلق نمی‌گیرد. فعالیت آن خارج از بازار سرمایه است و منابع آن از پس‌اندازهای اعضا شکل می‌گیرد. هزینه‌های اداری و توسعه‌ای از طریق کارمزد وام و تأمین مالی اعضا پرداخت می‌شود. این بانک از یک نظام امتیازدهی به پس‌اندازها استفاده می‌کند که به هنگام اعطای وام بکار گرفته می‌شود. فرد می‌تواند یا خودش از امتیاز کسب‌شده برای دریافت وام استفاده نماید و یا این امتیاز را برای دریافت وام به دیگران بدهد. اگر تعداد امتیاز موردنیاز برای قرض‌گیری بیش از تعداد امتیاز پس‌انداز شده باشد، لازم است در دوره

1. Jord Arbete Kapital

دریافت قرض نیز به جمع‌آوری امتیاز ادامه دهد که از طریق نگهداری مبلغی به‌عنوان پس‌انداز در حساب تأمین می‌شود و با تکمیل شدن امتیاز قابل برداشت می‌شود.

گسترش ظرفیت اجرایی قرض‌الحسنه با استفاده از ایده تأمین مالی خرد: چنانچه بخواهیم از اصول تأمین مالی خرد به‌عنوان ابزاری برای ارتقا این صندوق‌ها استفاده کنیم، می‌توان به این موارد اشاره نمود:

۱. نهادهای تأمین مالی خرد صنفی قرض‌الحسنه، می‌تواند با دریافت منابع جزئی و خرد به‌صورت ماهانه، در هر یک از بخش‌ها و زیر بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات شکل با ضمانت یکی از اعضای همان صنف تسهیلات را در اختیار یک یا چند عضو متقاضی در همان صنف قرار دهد و به‌این‌ترتیب مشکل تأمین مالی در هر صنف با پس‌اندازهای خرد در همان صنف حل شود و از تعطیلی بنگاه‌ها و یا ورشکستگی به دلیل نیاز به تأمین مالی جلوگیری نماید و تقاضای اصناف مربوطه را از مراجعه به بانک‌ها و بازپرداخت تسهیلات با سودهای مرکب کاهش دهد. به‌منظور ارائه خدمات مناسب و نیاز به یک مدیریت مورد اعتماد صنایع و اصناف ذی‌ربط در جمع‌آوری منابع مالی، لازم است ابتدائاً دولت مسئولیت راه‌اندازی این نهادها را بر عهده گیرد تا در بلندمدت با مشخص شدن مزایای این نهاد مالی زمینه گسترش به صندوق‌های قرض‌الحسنه و فراگیر شدن این نهادها و توسعه فعالیت بخش خصوصی فراهم شود.

۲. بخشی از منابع اولیه برای کمک به راه‌اندازی صندوق‌های تأمین مالی قرض‌الحسنه خرد می‌تواند از طریق منابع بانک‌های دولتی تأمین شود. تعدیل مقررات بانکی به‌نحوی که بانک‌ها مربوطه بتوانند به‌طور آسان‌تری اعتبارات مربوطه را در اختیار صندوق‌های قرض‌الحسنه قرار دهند ضروری خواهد بود.

۳. ویژگی دیگری که عموماً برای نهادهای خرد مالی وجود دارد، صنفی بودن افراد شرکت‌کننده در این نهادهاست. مثلاً به روستاییان و یا افراد فقیری که عمدتاً به مشاغل خدماتی با سرمایه کم می‌پردازند اختصاص داشته است. این موضوع عامل مهمی در

ایجاد وابستگی گروهی در کمک به فعال تر شدن نهاد مالی می شود و از سوی دیگر شناسایی دقیق خانوارهای فقیر و بررسی برای اعطای اعتبار با سرعت بیشتری تحقق می یابد. این موضوع در حال حاضر برای صندوق های قرض الحسنه عام یک مشکل محسوب می شود که در مورد صندوق های قرض الحسنه صنفی کمتر است. همانند بانکداری خرد در گرامین بانک با گسترش این شیوه نهاد مالی خرد قرض الحسنه مشکل اطلاعات نامتقارن در بازار و نکول تا حدود زیادی کاهش پیدا می کند.

۴. با توجه به شیوه تشویق دریافت کنندگان تسهیلات قرض الحسنه به بازپرداخت مبلغی اضافه علاوه بر مبلغ تسهیلات دریافتی در نهادهای مالی خرد اسلامی، می توان در ایران نیز از طریق رسانه های جمعی و سایر روش های تبلیغی قرض گیرندگان را به پرداخت مبلغی بیشتر از اصل وام به ازای کاهش ارزش پول به علت تورم ترغیب کرد.

۵. ارتباط قوی تر با نهادهای بین المللی مثل بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در جهت ارتقا فعالیت های تأمین مالی خرد در کشور ضروری است به همین ترتیب می توان با مشارکت نهادهای مالی بین المللی اسلامی سالی را به عنوان قرض الحسنه و تأمین مالی خرد نامید و زمینه گسترش شیوه های وام دهی قرض الحسنه و استفاده از تجربیات کشورها را فراهم ساخت.

۶. صندوق های قرض الحسنه می توانند با الهام از شیوه های تأمین مالی خرد اسلامی به ارائه خدمات به واحدهای کوچک تولیدی که امکان بازپرداخت سود را ندارند و یا افرادی از گروه های پایین درآمدی که قصد احداث واحدهای تولیدی کوچک و یا متوسط را دارند پردازند. امری که منجر به کاهش هزینه های تولید خواهد شد.

منابع و مأخذ:

احمدی علی محمد و دیگران. (بی تا). بررسی توزیع قرض الحسنه بر توزیع درآمد. «همایش اقتصاد اسلامی و توسعه».

حبیبیان نقیبه مجید (۱۳۸۴)، قرض الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی، فصلنامه نامه مفید،

حسن‌زاده علی. (۱۳۸۹). الگوسازی مؤسسات و تأمین مالی خرد منطبق با قواعد شریعت اسلام، فصلنامه پول و اقتصاد، شماره ۵، پاییز ۱۳۸۹.

حسن‌زاده علی، علاء‌الدین ازوجی، صالح قویدل. (۱۳۸۵). آثار اعتبارات خرد در کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ششم.

جعفری سرشت داوود (۱۳۸۵)، اثر تعاونی‌های اعتبار و صندوق‌های قرض‌الحسنه بر اقتصاد ایران، روزنامه سرمایه، شماره ۱۶۷

Abidin Ahmad Zainal, Norhayati Mohd Alwi, and Noraini Mohd, Ariffin. 2011 (). International Journal Of Economics, Management & Accounting, Supplementary Issue 19: 81-100, 2011 by The International Islamic University Malaysia

Adams&Others(1984),Undermining Rural Development with Cheap Credit. Westview Press, Boulder & London, 1984